نحوه‌ی استشهاد به وجه اول و دوم در معنای «کلیة الاجناس» در ربوبیت خداوند

«فانّها مشتركة في الامكان»؛ همه ممکن الوجود هستند.**«و الحاجة إلى الصانع»؛** همه محتاج به صانع هستند. پس مستشهدٌ به تمام اجناس ممکن الوجود؛ چون ماهیت امکانی دارند مستشهد است به ربوبیتش که خالق می‌خواهد.

وجه دوم: **«أو بكونها كلية»؛** اجناس کلی هستند، فرد نیستند. اجناس کلیه ماهیت می‌شوند. **«فانّه تستلزم التركيب»؛** کلی مستلزم ترکیب است و جنس و فصل می‌خواهد. **«المستلزم للامكان»؛** مستلزم ماهیت است؛ ماهیت مرکبه که **«كل ممكن زوج تركيبيٌ»؛** لازمه‌ی آن ترکیب در ماهیت است و لازمه‌ی ترکیب هم امکان است و لازمه‌ی امکان احتیاج است. **«فدلّ على أنّه ليس له سبحانه ماهية كلية»؛** این هم خیلی زیبا است. می‌گویند: «مستشهد بکلیة الاجناس»؛ اینکه اجناس، ماهیت هستند و کلی هستند، مستشهد این است که خدای متعال کلی نیست و کلی هم ندارد. «ليس له ماهية»، «ماهيته انيته»؛ یعنی «وجودٌ بحت»، «بحتٌ وجوده». می‌گویند او می‌خواند «یجب وجوده»! در کلمات آن‌ها «بحت وجوده» یعنی «ماهيته انيته»، یعنی «لا ماهية له»، «ليس زوج تركيبي من ماهية و وجود». «ان الوجود عارض الماهية»، این عروض در خداوند متعال معنا ندارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:35:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:37:09 توسط ... .